

در ماگنا کارتا، یا «منشور کبیر» انگلیسی از عبارات کلی و جامع که در اصول حکومت مبتنی بر قانون اساسی یا حقوق بشر به چشم می‌خورد، از مدارک متأخر چون «اعلامیه استقلال آمریکا»، یا «اعلامیه فرانسوی حقوق بشر و شهروندان»، خبری نیست، برعکس، منشور کبیر حاوی سیاهه مفصلی از راه‌حلهایی است که در جامعه‌ای فئودالی از پادشاهی که در پی سود خویشتن است گرفته شده است. ارزش ماگنا کارتا به عنوان بیانیه‌ای در ارتباط بین حکومت و حکومت شونندگان، آنگاه به آرامی درک شد که اصلاح طلبان و فلاسفه صدها سال بعد دریافتند که مدرکی که دریافت اجتماعی و سیاسی متفاوتی تدوین شده گواه نظریه‌های آنها است.

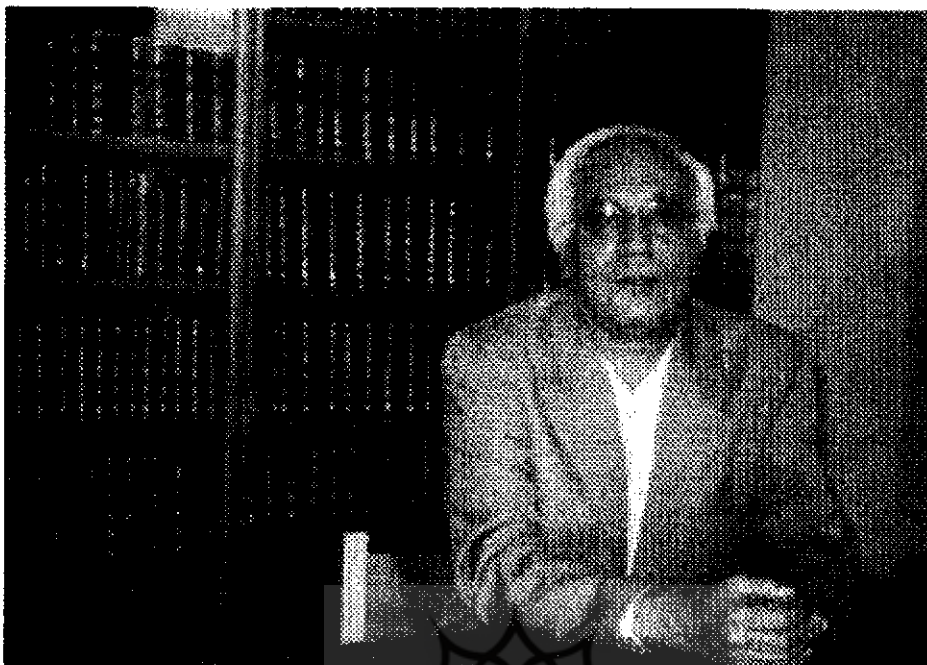
ماگنا کارتا غرامت نارضایتیهای گروهی از طبقه اشراف (بارونها) از جان، پادشاه انگلستان (دوران سلطنت ۱۱۹۹ - ۱۲۱۶) بود که رنجش آنها از سلطنت به چندین دهه قبل باز می‌گشت. اسلاف جان، هنری دوم (دوران سلطنت ۱۱۵۴ - ۱۱۸۹) و ریچارد اول (دوران سلطنت ۱۱۸۹ - ۱۱۹۹) به حقوق سنتی اشراف تجاوز کردند و خدمات نظامی و مالیات را برای حمایت از «سومین جنگهای صلیبی» و جنگهای فرانسه افزایش دادند. جان با کوششهای پرهزینه - و ناکام - خود برای آنکه دوک نشین نورماندی را مطیع سلطنت انگلستان کند بر رنجش اشراف افزود. جان پس از شکست در بووین در ایتالیا، در سال ۱۲۱۴، برای رویارویی با خشم اشراف به انگلستان بازگشت.

در پانزدهم ژوئن ۱۲۱۵، اشراف در رانی مید، در ساحل رود تیمز، حد فاصل ویندزور و استینز به دیدار شاه آمدند و او را وادار به پذیرش «اصول اشراف» کردند که بر پایه آن، چند روز بعد، ماگنا کارتا» به طور رسمی تدوین شد. هنوز زمان زیادی نگذشته بود که جان «ماگنا کارتا» را نادیده گرفت و همین امر منجر به جنگ داخلی در انگلستان شد که در اکتبر ۱۲۱۶ با مرگ جان پایان گرفت.

با گذشت سده‌ها، ماگنا کارتا خصلت بنیادی خود را به عنوان بیانیه‌ای از حقوق جاری از دست داده است و به عنوان بیانیه‌ای از اصولی که نه فقط برای طبقه اشراف، بلکه برای همه مردم کارایی دارد مطالعه می‌شود. مضامین حقوق فردی و محاکمه با حضور هیأت منصفه مندرج در «قانون اساسی ایالات متحد» (۱۷۸۷) و «دادنامه حقوق انگلستان» (۱۶۲۸) و «حکم احضار به دادگاه» (۱۶۷۹) از ماده ۳۹ «ماگنا کارتا» برگرفته شده‌اند. تقریباً مضمون «اجتماع قلمرو» که بستر حکومت مبتنی بر نمایندگی است از ماده ۶۱ ماگنا کارتا نشأت گرفته است.

با تأییدات خداوند متعال، ماجان، پادشاه انگلستان، لرد ایرلند، دوک نورماندی و آکیتن، و کنت آنژو، به سر اسقفها، اسقفها، رؤسای دیرها، لردها، اشراف، قضات، جنگلیبانان، کلاترها، پیشکاران و خدمتگزاران، و تمام کدخدایان و رعایای وفادار خود درود می‌فرستیم. آگاه باشید که ما، در پیشگاه الهی برای آرامش روح خود و ارواح اسلاف و اخلاف خود و برای رضای خداوند و اعتلای کلیسای مقدس، و اصلاح قلمرو خود، با صلاحدید پدران روحانی معزز، استیون، اسقف اعظم کنتربری، اول کشیش تمام انگلستان و کاردینال کلیسای مقدس روم، هنری اسقف اعظم دوبلین، ویلیام اسقف لندن، پی تر اسقف وینچستر، جاسلین اسقف بث و گلاستون بری، هیو اسقف لینکلن، والتر اسقف ورستر، ویلیام اسقف کاوتتری و بندیکت اسقف راجیستر، کشیش پاندولف، شماس و خدمتکار حضرت پاپ، برادر ایمریک، مرشد فرقه «شهبانان پرستشگاه» در انگلستان و نجیب زادگان ویلیام مارشال لرد پمبروک، ویلیام لرد سالیزبوری، ویلیام لرد وارن، ویلیام لرد آروندل، الن گالوویائی شهربان اسکاتلند، وازین فیتز جرالند، پی تر فیتز هربرت، هوبرت دو بورگ فرماندار پواتو، هیو دو نویل، ماثیو فیتز هربرت، توماس باست، الن باست، فیلیپ آبنی، رابرت راپسلی، جان مارشال، جان فیتز هیو و دیگران این منشور را تصویب می‌کنیم:

(۱) در مرحله نخست، با تأییدات الهی و به موجب منشور حاضر از جانب خود و اخلاف خود تأیید می‌کنیم که کلیسای انگلستان برای همیشه از آزادی برخوردار خواهد



○ دکتر نورالله مرادی (عکس از علی دهباشی)

بود، هیچ حقی از آن کاهش نخواهد یافت و آزادیهایش آسیب نخواهند دید؛ و اراده ما بر آن تعلق دارد که این چنین باشد؛ و این حقیقتی عیان است که پیش از آنکه هرگونه کشمکش میان ما و بارونهای ما آغاز شود، ما با طیب خاطر و بدون اکراه آزادی انتخاب را که بی تردید برای کلیسی انگلستان سخت مهم و اساسی است به آن اعطا کرده و به موجب منشوری آن را تأیید کرده ایم. حضرت پاپ اینوکنتیوس سوم نیز بر آن صحنه گذاشته است؛ چنین ارده کرده ایم که آن را رعایت کنیم و آرزومندیم که اخلاف ما نیز برای همیشه با ایمانی راستین آن را رعایت کنند. بغلاوه به تمامی رعایای آزاد قلمرو خویش از جانب خود و اخلاف خود آزادیهای زیر را برای همیشه اعطا می کنیم، آنان موظف به پاسداری این آزادیها هستند و اخلاف آنها و اخلاف ما نیز باید در این راه بکوشند.

(۲) اگر یکی از لردها یا بارونها یا دیگر کسانی که به خدمات شهسواری مشغولند در گذرد و هنگام مرگش وراث او به سن قانونی رسیده باشد و متوفی مالیاتی را بدهکار باشد، وراث او می تواند پس از پرداخت مالیات عقب افتاده ما ترک را تصرف کند؛ بدین معنی که وراث یک لرد برای تمام املاک لرد ۱۰۰ لییره، وراث یا وراثت یک بارون برای تمام املاک بارون ۱۰۰ لییره، وراث یا وراثت یک شهسوار برای تمام دارایی شهسوار

حداکثر ۱۰۰ شلینگ؛ و هر کس که بدهی کمتری داشته باشد طبق رسوم قدیم سهم کمتری می‌پردازد.

(۳) هر گاه وارث هر یک از افراد فوق‌الذکر در حال صغر و تحت قیمومت باشد هنگامی که به سن بلوغ رسید می‌تواند میراث خود را بدون پرداخت جریمه و مالیات تصرف کند.

(۴) سرپرست ملک وارثی که صغیر است نباید از ملک چنین وارثی بیش از عواید متعارف، عوارض مرسوم متعارف و خدمات متعارف به دست آورد، آنهم بدون خرابی و اتلاف افراد یا اجناس؛ و چنانچه اداره امور چنین ملکی را به پیشکار یا هر کس که در برابر ما مسؤول عواید ملک است بسپاریم، و آن شخص موجب خرابی یا اتلاف املاک و اموالی شود که در اختیار او است، از او غرامت خواهیم گرفت و آن ملک را به دو شخص عادل و متعهد همان املاک خواهیم سپرد که در برابر ما یا شخص و اشخاصی که منصوب ما هستند مسؤول خواهند بود؛ و اگر ما اداره امور چنین ملکی را به کسی ببخشیم یا بفروشیم و او عامل خرابی و اتلاف در آن ملک بشود، او از اداره امور ملک محروم می‌شود و مسؤولیت به دو شخص عادل و متعهد در همان املاک که به همان صورت فوق‌الذکر در برابر ما مسؤول خواهند بود سپرده می‌شود.

(۵) بعلاوه، سرپرست ملک موظف است در ایامی که اداره امور املاک را بر عهده دارد در حفظ و مرمت خانه‌ها، پارکها، شکارگاهها، آبگیرها، آسیابها و سایر متعلقات، با استفاده از عواید ملک بکوشد؛ و موظف است هنگامی که وارث به سن بلوغ رسید تمام املاک را با گاو آهنها و ابزار کشاورزی، مطابق آنچه در کشت و زرع ضروری است و عواید ملک به طور متعارف در گرو آن است به او بازگرداند.

(۶) وراثت می‌باید با همشان خود پیمان زناشویی ببندند، پیش از زناشویی باید به اقوام نسبی وارث اطلاع داده شود.

(۷) هر بیوه‌ای پس از مرگ شوهرش باید بفوریت و بدون اشکال سهم زناشویی و میراث خود را دریافت کند؛ برای تجهیزه یا سهم زناشویی و میراثی که از شوهرش به او رسیده یا او و همسرش در روز مرگ شوهرش مالک بوده‌اند بهیچ وجه نباید مالیاتی بپردازد؛ زن می‌تواند تا چهل روز پس از مرگ همسرش در خانه او سکنی گزیند، تا در آن مدت تجهیزه‌اش به او تحویل داده شود.

(۸) هیچ بیوه‌ای را نمی‌توان تا زمانی که بخواهد بدون شوهر زندگی کند وادار به زناشویی کرد، بدان شرط که اگر از اتباع ما باشد بدون رضایت ما همسر اختیار نکند و اگر از اتباع پادشاه دیگری است از او کسب اجازه کند.

The English Magna Carta, or "Great Charter," contains none of the sweeping statements of principle on constitutional government or the rights of man to be found in such later documents as the American Declaration of Independence or the French Declaration of the Rights of Man and of the Citizen. To the contrary, it is a detailed prescription of remedies exacted from a king in the narrow self-interest of a feudal baronial class. Its value as a statement on the relationship between the government and the governed was realized only gradually, as reformers and philosophers hundreds of years later found support and justification in a document that had been drafted in a very different social and political context.

The Magna Carta was a redress of grievances forced upon King John (reigned 1199-1216) by a group of barons whose resentment of the crown had been rising for several decades. John's predecessors, Henry II (reigned 1154-1189) and Richard I (reigned 1189-1199), had encroached on the barons' customary rights and had increased the burdens of military service and taxation to support the Third Crusade and wars in France. John exacerbated the barons' resentment with his costly—and failed—attempt to regain the En-

glish Crown's control over the Duchy of Normandy. John returned to England after his defeat at Bouvines in July 1214 to face the wrath of the barons.

On June 15, 1215, the barons met King John at Runnymede, on the River Thames between Windsor and Staines, and forced upon him the Articles of the Barons, from which the Magna Carta was formally drafted several days later. The Magna Carta was repudiated by John shortly thereafter, leading to a brief civil war that ended when John died in October 1216. The document was reissued by John's successors with minor changes thirty-eight times over the following one hundred years.

Over the centuries, the Magna Carta lost its original character as a statement of current law, to be read instead as a statement of principles applying not only to the baronial class but to all people. The notions of individual freedom and trial by jury found in the U.S. Constitution (1787) and in England's Petition of Right (1628) and Habeas Corpus Act (1679) trace their lineage to Article 39 of the Magna Carta. Similarly, the notion of a "community of the realm," which is the bedrock of representative government, can be identified in embryonic form in Article 61.

۲۰

(۹) نه ما و نه پیشکاران ما ملک یا اجاره بهای مقروضی را تا زمانی که اموال منقول او کفای ادای قرض او را بکنند تصرف نخواهیم کرد؛ همچنین وثیقه شخص مقروض تا زمانی که استطاعت پرداخت قروض خود را دارد مصون از تعرض است؛ و اگر مقروض در پرداخت قرض خود قصور کند، و آهی در بساط نداشته باشد، در آن صورت وثیقه او برای پرداخت قرضش تصرف می شود؛ و طلبکاران اگر بخواهند می توانند املاک و اجاره بهای شخص مقروض را تا هنگامی که قروض آنان وصول شود ضبط کنند، مگر آنکه شخص مقروض بتواند ثابت کند که وثیقه های او برای بازپرداخت تعهدش کافی است.

(۱۰) در صورتی که کسی از یک یهودی مبلغی قرض بگیرد، چه زیاد و چه کم، و پیش از آنکه قرض خود را پردازد بمیرد و وارث او صغیر باشد، تا هنگامی که آن وارث به سن بلوغ برسد، هیچ بهره ای به آن قرض تعلق نخواهد گرفت؛ و اگر این قرض به ما برسد، ما نیز چیزی بیش از اصل قرض که در سند آماده است نخواهیم گرفت.

(۱۱) در صورتی که کسی بمیرد و به یهودیان مقروض باشد، زن او می تواند جهیزیه خود را باز پس بگیرد بی آنکه از قرض شوهر چیزی پردازد؛ و اگر متوفی فرزندان نداشته باشد که صغیر باشند باید وسایل لازم برای زندگی آنها کنار گذاشته شود، و از

آنچه باقی می ماند قرض او پرداخت شود، هر چند که ارائه خدمت به ارباب محفوظ است؛ با کسانی که به غیر یهودیان مقروض باشند به همین گونه رفتار خواهد شد.

(۱۲) هیچ گونه خدمت لشکری یا کمک مالی در قلمرو سلطنتی، برقرار نخواهد شد مگر به حکم شورای عمومی قلمرو سلطنتی ما، مگر مبلغی که برای فدیۀ ما، برگزاری مراسم شہسواری پسر بزرگ ما، و برای نخستین مراسم زناشویی دختر بزرگ ما باشد؛ و برای این منظور فقط اعانہ‌ای منصفانہ اخذ شود به همان مقدار که در شہر لندن اخذ می شود.

(۱۳) و شہر لندن از تمام آزادیہای کهن و سنن آزاد خود چه بری و چه بحری برخوردار خواهد بود. به علاوہ، ارادہ ما بر آن تعلق دارد کہ به سایر شہرها، قصبات، روستاها و بنادر آزادیہای تام و سنن آزاد خودشان را اعطا کنیم.

(۱۴) و برای تشکیل مجمع عمومی قلمرو سلطنتی ما به منظور تعیین کمک مالی (به استثنای سه مورد فوق الذکر) یا وظیفہ و مالیات جنگی، ما شخصاً یکایک اسقفهای اعظم، اسقفها، رؤسای دیرها، لردها و بارونهای مہین کشور را با فرامین خود - و، در صورت لزوم، توسط کلانترها و پیشکاران خود تمامی اشخاصی را کہ به مقاماتی گماشته ایم - برای روز معینی، حداقل چہل روز پس از صدور فرمان، برای گرد آمدن در مکانی معین احضار خواهیم کرد؛ و در تمامی فرامین احضار علت احضار آنان را ذکر خواهیم کرد. و هنگامی کہ در روز معین حضور بهم رسانند، مسائل با حضور افراد حاضر در جلسہ، هر چند کہ جملگی نیامدہ باشند، به شور گذاشته خواهد شد.

(۱۵) ارادہ ما بر این تعلق دارد کہ در آیندہ به هیچ کس حق دریافت اعانہ از مستأجران املاکش را اعطا نکنیم، مگر در مورد گردآوری فدیہ برای آن شخص، برای مراسم شہسواری پسر بزرگش، و برای یکبار زناشویی دختر بزرگش، و برای این منظور فقط اعانہ‌ای منصفانہ اخذ شود.

(۱۶) هیچ کس مجبور نیست برای یک شہسوار یا املاک سایر زمینداران بیش از آنچه بر ذمہ او است بیگاری کند.

(۱۷) دعاوی عمومی در دیوان عدل ما رسیدگی نمی شود، بلکه در محاکم ثابت دیگری مطرح می شود.

(۱۸) حقوق خلع ید بدیع، تصرف عدوانی ما ترک، و نظریہ نهایی قاضی. جز در خود ولایتی کہ موضوع دعواست مطرح نخواهد شد و در این موارد ما، یا اگر ما در قلمرو پادشاهی نبودیم، قاضی القضاات ما، دو قاضی را چہار بار در سال به هر ولایتی

گسیل می‌داریم تا با چهار شهسوار از هر ولایت که برگزیدگان همان ولایت باشند در روز و محل دادگاه تشکیل جلسه دهند.

(۱۹) و اگر تشکیل جلسه در روز دادگاه ولایت امکان پذیر نباشد، از میان گروهی از شهسواران و مالکان مطلق که در آن روز در آن ولایت حضور دارند تعدادی که برای دادرسی لازم باشند، بر حسب اهمیت موضوع جلسه را تشکیل خواهند داد.

(۲۰) رعیت آزاد را نباید برای ارتکاب جرمی ناچیز مجازات کرد مگر بر حسب درجه جرم، و برای جرمی بزرگ نیز بر حسب درجه جرم باید مجازات شود، بهر حال حیات او در امان است؛ و تاجر را هم در چنین شرایطی مال التجاره اش را نمی‌توان ضبط کرد؛ و رعیتی که در همان شرایط مجازات شود، وسایل امرار معاشش در امان است - در صورتی که این افراد مشمول عنایت ما شوند: هیچ یک از مجازاتهای فوق‌الذکر در حق آنها اجرا نخواهد شد مگر به قید سوگند همسایگان شرافتمند آنها.

(۲۱) لردها و بارونها مجازات نخواهند شد مگر توسط همتایانشان، آن هم در حد جرمی که مرتکب شده‌اند.

(۲۲) هیچ منشی کلیسایی را نمی‌توان به خاطر اموال غیر کلیسایی که در اختیار دارد مجازات کرده مگر به روال اشخاص فوق‌الذکر آن هم نه از عایدات کلیسایی او.

(۲۳) هیچ دهستان یا فردی را نمی‌توان مجبور به احداث پل بر روی رودخانه کرد مگر آنهایی که قانوناً از قدیم این کار را می‌کرده‌اند.

(۲۴) هیچ یک از کلاتران، شهربانان، مأموران تجسس، یا سایر پیشکاران ما نمی‌توانند در دعاوی که مربوط به مقام سلطنت است دخالت کنند.

(۲۵) حق الاجاره رایج تمامی ایالتها، بخشها، روستاها و قصبات به قوت خود باقی است مگر کاخهای آریایی خود ما.

(۲۶) هرگاه یکی از مالکان املاک غیر کلیسایی ما درگذرد و کلاتر یا پیشکاری از ما مدارکی را دال بر مدیون بودن متوفی به ما ارائه دهد، کلاتر یا پیشکار ما بر طبق قانون موظف است سیاهه‌ای از اموال متوفی تهیه کند و با نظر اشخاص متعهد و مورد اطمینان طلب ما را دریافت نمایند و تا هنگامی که دیون ما به طور کامل تصفیه نشده چیزی از آن اموال نباید جا به جا گردد؛ و باقیمانده اموال او باید در ید اشخاصی که مأمور اجرای وصیت متوفی هستند قرار داده شود. اگر متوفی دینی به ما نداشته باشد تمام اموال منقول او باید بین همسر و فرزندان، بر طبق سهم الارث تقسیم گردد.

(۲۷) هرگاه رعیت آزادی بدون وصیت درگذرد اموال منقول او باید نظارت کلیسا

توسط نزدیک‌ترین کسان و دوستانش تقسیم گردد، و قروضی را که دارد به طلبکاران بپردازد.

(۲۸) هیچ یک از شهریانان یا سایر پیشکاران ما نمی‌تواند غله یا سایر اموال کسی را بستاند مگر آنکه بهایش را نقداً پرداخته باشد یا با رضایت فروشنده پرداخت بها را به بعد موکول کند.

(۲۹) هیچ یک از شهریانان حق ندارد از شہسواری که می‌خواهد شخصاً از قلعه‌اش پاسداری کند یا آن را به شریفزاده دیگری واگذار و جہی بابت نگاهبانی قلعه دریافت کند؛ و اگر آن شہسوار نتواند به دلایل معقول از قلعه‌اش حراست کند؛ و اگر ما آن شہسوار را فراخوانده باشیم یا برای خدمات لشکری گسیل داشته باشیم، او نیز از پرداخت سهم پاسداری در آن ایام معاف است زیرا که به خواست ما در مأموریت نظامی است.

(۳۰) هیچ یک از کلاتران، یا پیشکاران ما، یا هر کس دیگری حق ندارد اسب یا ارابه رعیت آزادی را برای بارکشی بگیرد، مگر با رضایت آن رعیت آزاد.

(۳۱) نه ما و نه پیشکاران ما حق ندارند الوار کسی را برای احداث قلعه و سایر مصارف مصادره کنند مگر با رضایت صاحبان آن الوار.

(۳۲) ما املاک کسانی را که به ارتکاب جنایت محکوم شده‌اند نمی‌توانیم برای مدتی بیش از یکسال و یک روز در توقیف نگاهداریم، و پس از آن املاک را به صاحبان املاک مسترد خواهیم کرد.

(۳۳) از این تاریخ کلیه آب بندیهای ماهیگیری رودخانه‌های تمیز و مدوی و سراسر انگلستان بکلی نابود می‌شوند مگر آنهایی که در سواحل دریا احداث شده‌اند.

(۳۴) از این پس فرمانی که پرسیپ خوانده می‌شود برای هیچ کس در صورتی که موجب شود که رعیت آزادی احتمالاً حیاط خانه خود را از دست بدهد صادر نخواهد شد.

(۳۵) در سراسر قلمرو سلطنتی ما یک مقیاس برای شراب، یک مقیاس برای فقاغ، یک مقیاس برای غلات، به کار برده می‌شود که همان «معیار لندن» باشد؛ برای پارچه‌ها از هر نوع یک عرض وجود خواهد داشت، برابر با دو «ال» (هر ال معادل ۱۳ سانتیمتر) از دو لبه عرضی پارچه؛ سایر اوزان و مقیاسات نیز به همین گونه خواهد بود.

(۳۶) از این پس برای حکم استثنای که موجب اعدام یا قطع عضو شود، چیزی گرفته یا داده نمی‌شود بلکه این مورد برایگان انجام می‌شود.

(۳۷) هرگاه کسی مزرعه یا زمینی استیجاری از آن ما را در اختیار داشته باشد و به واسطه خدمات نظامی زمین دیگری از شخصی ثالث گرفته باشد، ما به دلیل اینکه زمین ما در اختیار او است، سرپرستی و قیمومت وراث او را نخواهیم داشت؛ همچنین حق سرپرستی مزرعه یا زمین استیجاری را نیز نخواهیم داشت مگر آنکه خدمت نظامی به ما بدهکار باشد؛ ما سرپرستی وراث یا زمین کسی را که به واسطه خدمات نظامی زمینی از شخص ثالث در اختیار گرفته به دلیل آنکه خدمت ناچیز نظامی برای ما انجام می‌دهد و خنجر و کمان و امثال آنها را برای ما تدارک می‌بیند قبول نمی‌کنیم.

(۳۸) از این پس هیچ یک از پیشکاران ما حق ندارد کسی را به دلیل بددهنی تحت تعقیب قرار دهد، مرگ آنکه شهودی داشته باشد.

(۳۹) هیچ آزاد مردی نباید دستگیر یا زندانی یا اموالش را مصادره یا محروم از حقوق یا تبعید شود یا به هر نوعی متضرر گردد، نه ما به او یورش خواهیم برد و نه کسی را برای یورش به او گسیل خواهیم کرد، مگر پس از دادرسی عادلانه توسط اقران او یا از طریق قانون کشوری.

(۴۰) ما بابت اعطای حق یا اجرای عدالت از هیچ کس وجهی دریافت نخواهیم کرد و موجب تأخیر یا تعطیل حق و عدالت نخواهیم شد.

(۴۱) کلیه بازرگانان در کمال امنیت و ایمنی حق خروج و ورود به انگلستان را دارند و می‌توانند در سراسر انگلستان اقامت گزینند و در دریا و خشکی سفر نمایند و با رعایت عوارض گمرکی و حقوق قدیمه، معاف از پرداخت هرگونه عوارض نامشروع، داد و ستد کنند، مگر در زمان جنگ آن هم برای بازرگانان طرف متخاصم ما در جنگ. اگر چنین بازرگانانی در آغاز جنگ در قلمرو ما باشند بازداشت خواهند شد، بی آنکه به شخص آنان یا کالایشان لطمه‌ای وارد شود، تا آنکه بر ما، یا قاضی القضاة ما ثابت گردد که با بازرگانان ما که در خاک او هستند تا پایان جنگ چگونه رفتار می‌کند، و اگر بازرگانان ما در خاک دشمن در امان باشند، بازرگانان آنها نیز در سرزمین ما در امان خواهند بود.

(۴۲) از این پس، هر کس که در کنف عنایت ما باشد حق دارد قلمرو و سلطنتی ما را ترک کند و در کمال سلامت و امنیت از راه خشکی یا دریا باز گردد، و در ایام جنگ برای مدتی کوتاه از منافع دولتی برخوردار شود - به استثنای آنهایی که برحسب قانون قلمرو سلطنتی ما زندانی و یا از حقوق خود محروم شده‌اند و اتباع سرزمینی که با ما در جنگ است و بازرگانان. (آن گونه که شرح آن در بالا رفت.)

(۴۳) اگر از املاک بلاورثی چون والینگفورد، ناتینگهام، بولونی، لانکاستر یا سایر

املاک بلاوارثی که در اختیار ما هستند یا بعضی از املاک بارونها را به ما به کسی واگذاریم و او درگذرد و ارث چیزی بیش از آن که متوفی به بارون همان ملک می‌بایست بپردازد، اگر ملک در ید اختیار بارون می‌بود، به ما مدیون نخواهد بود؛ و ملک را همان گونه اداره خواهیم داشت که بارون اداره می‌کرد.

(۴۴) کسانی که خارج از جنگلها زندگی می‌کنند، از این پس نیازی ندارند دعاوی خود را نزد قضاات ما که خاص امور جنگلها هستند مطرح کنند، مگر آنکه دعاوی آن علیه کسی یا کسانی باشد که به امور جنگل مربوط باشد.

(۴۵) ما هیچ کس را به مسند قضاوت، شهربانی، کلاتری یا پیشکاری منصوب نخواهیم کرد مگر آنکه از قانون قلمرو سلطنتی ما آگاه باشد و در حفظ آن مقام بکوشد. (۴۶) تمام بارونهایی که صومعه‌هایی بر پا کرده‌اند و از این بابت فرامینی از پادشاهان انگلستان یا اجاره داران قدیم دریافت کرده‌اند، در صورتی که از مقام خود خلع شوند باز هم سرپرستی آن صومعه‌ها را بر عهده خواهند داشت.

(۴۷) تمام جنگلهایی که در عهد سلطنت ما شکارگاه شده‌اند بفوریت آزاد می‌شوند؛ و همچنین است سواحل رودخانه‌ها که در عهد سلطنت ما قرق شده‌اند.

(۴۸) کلیه رسوم و مقررات نابجا در ارتباط با شکارگاهها و محل پرورش حیوانات شکاری، شکاربانان و پرورش دهندگان حیوانات شکاری، کلاتران و اعمال آنها، سواحل رودخانه‌ها و محافظان آنها را باید دوازده شهسوار قسم خورده همان ولایت که شریفزادگان آنها را برگزیده‌اند، بفوریت بررسی کنند و چهل روز پس از اتمام تحقیق آنها را کلاً ملغی نمایند به گونه‌ای که هرگز برقرار نشوند و ضروری است نخست ما یا قاضی القضاات ما را، چنانچه ما در انگلستان نبودیم، مطلع نمایند.

(۴۹) ما بفوریت کلیه گروگانها و احکامی را که از انگلیسیان برای مصونیت و حفظ آرامش یا وفاداری گرفته‌ایم به آنها باز خواهیم گرداند.

(۵۰) ما کلیه بستگان ژرار دو آته را کاملاً از مناصبی که دارند عزل خواهیم کرد، به طوری که در آینده هیچ منصبی در انگلستان به آنها داده نخواهد شد. این منسوبین عبارتند از انگلارد سیگونی، پی توگی و اندریو شانسویی، گئی سیگونی، جفری مارتینی و برادرانش، فیلیپ مارک و برادرانش و برادرزاده اش جفری، و همه وابستگان آنها.

(۵۱) به محض برقراری صلح تمام شهسواران بیگانه، کمانداران، گروهبانان و سربازان مزدور را که با ساز و برگ برای انهدام قلمرو سلطنتی انگلستان آمده‌اند اخراج خواهیم کرد.

(۵۲) اگر کسی بی آنکه توسط اقرانش محاکمه شده باشد، فقط به فرمان ما اموالش مصادره یا خودش از املاک یا قلعه‌اش تبعید شده یا از حقوق حقه‌اش محروم شده باشد، ما بفوریت آنها را به او باز خواهیم گرداند: و اگر اختلافی در این بین پدید آید، داوری به بیست و پنج شهسواری واگذار می‌شود که مسؤل حفظ آرامش هستند و ذکر آنها در آینده خواهد آمد: همچنین، در مورد همه آنهايي که در عهد سلطنت پدرمان، پادشاه هنری، و برادرمان، پادشاه ریچارد بدون محاکمه عادلانه توسط اقران خود اموالشان مصادره یا خود نفی بلد شده‌اند و املاک و اموال آنها در اختیار ما است و یا در تصرف دیگران است بر ذمه ما است که آن را در مهلتی که معمول سلحشوران جنگهای صلیبی است جبران کنیم، به استثنای آنهايي که پیش از آنکه ما املاک کلیسا را تصرف کنیم طرح دعوا شده و یا خود ما فرمان رسیدگی به آن را صادر کرده‌ایم. بهر حال، آنگاه که از سفر زیارت بازگردیم، یا چنانچه بهر تقدیری آن سفر عملی نشد، اراده کرده‌ایم که در این مورد عدالت را تام و تمام اجرا کنیم.

(۵۳) ما همچنین در همین مهلت، و به همین روال نسبت به قرق شکنی جنگلهایی که در عهد سلطنت پدرمان هنری و برادرمان ریچارد شکارگاه شده‌اند عدالت را اجرا می‌کنیم، و نسبت به سرپرستی املاکی که به صورت اقطاع (فیف) از آن دیگری است، سرپرستی املاکی که تا این زمان به همین عنوان به پاس خدمات شهسواری به کسانی اعطا کرده‌ایم، و نسبت به صومعه‌هایی که در اقطاع دیگران، و نه در املاک خود ما، بنا شده‌اند، و صاحب آن نسبت به آنها صاحب ادعا است؛ آنگاه که از سفر زیارت بازگردیم، یا چنانچه بهر تقدیری آن سفر عملی نشد، اراده کرده‌ایم که در مورد آنها عدالت را تام و تمام اجرا کنیم.

(۵۴) هیچ کس را نمی‌توان به شکایت زنی دستگیر یا زندانی کرد، مگر آنکه آن زن مدعی شود که آن شخص شوهرش را کشته است.

(۵۵) تمام جرمه‌هایی که به ناحق و مخالف قانون کشور دریافت کرده‌ایم، و تمام مجازاتهایی که به ناحق و مخالف قانون کشور اعمال کرده‌ایم بخشوده می‌شوند، یا موکول به داوری بیست و پنج بارونی می‌شوند که وظیفه پاسداری از صلح را بر عهده دارند و شرح آن در ذیل خواهد آمد، یا با داوری اکثریت آنها در معیت استیون مذکور، اسقف اعظم کتربری، در صورت حضور وی، و کسانی که او مایل است در این مورد با آنها مشاوره شود، و اگر او قادر به حضور نباشد، هیچ کاری بدون صلاحدید او انجام نخواهد شد، و از بیست و پنج بارون فوق‌الذکر در صورتی که یک یا چند تن از آنان در

امری صاحب منافع باشند در ایامی که آن موضوع در دست داوری است از شرکت در داوری بر کنار خواهند بود و شخص یا اشخاصی دیگر به قید سوگند جانشین آنها خواهند شد تا با دیگر بارونها، از جمع بیست و پنج نفری، به آن رسیدگی کنند.

(۵۶) اگر ما اهالی ولز از املاک، آزادیها و سایر موارد بدون دادرسی قانونی توسط اقران آنها در انگلستان یا ولز محروم کرده باشیم، باید هر چه زودتر خسارت آنها جبران شود و اگر اختلافی در این خصوص پیش آید موضوع باید به داوری اقران آنها در ایالات سرحدی [مارچ] بین انگلستان و ولز واگذار شود - داراییهای مستقر در انگلستان بر طبق قانون انگلستان، داراییهای مستقر در ولز بر طبق قانون آن ایالت داوری خواهند شد. اهالی ولز نیز باید با ما و رعایای ما چنین کنند.

(۵۷) اگر کسی از اهالی ولز از حقوق فوق الذکر بدون دادرسی قانونی توسط اقران خود در عهد سلطنت پدرمان هنری، یا برادرمان ریچارد محروم شده و آن املاک و اموال اکنون در اختیار ما است و یا در تصرف دیگران است بر ذمه ما است که آن را در مهلتی که معمول سلحشوران جنگهای صلیبی است جبران کنیم، به استثنای آنهایی که پیش از آنکه ما املاک کلیسا را تصرف کنیم طرح دعوا شده، یا خود ما فرمان رسیدگی به آن را صادر کرده ایم. بهر حال، آنگاه که از سفر زیارت بازگردیم، یا چنانچه بهر تقدیری آن سفر عملی نشد، اراده کرده ایم که در این مورد، بر حسب قوانین ولز و ایالات یاد شده، عدالت را تام و تمام اجرا کنیم.

(۵۸) ما بفوریت پسر لوئین و سایر گروگانهای ولزی و امتیازاتی را که به عنوان ضمانت صلح از اهالی ولز گرفته ایم باز پس خواهیم داد. (۵۹) ما خواهران و گروگانها و حقوق و اختیارات الکساندر، پادشاه اسکاتلند، را به او باز خواهیم گرداند و با او نیز همانند سایر بارونهای انگلستان رفتار خواهیم کرد، مگر در مورد امتیازاتی که پدرش ویلیام، پادشاه سابق اسکاتلند به ما داده است و آنها نیز در دربار ما توسط اقران او بررسی خواهد شد.

(۶۰) تمامی حقوق و آزادیهای فوق الذکر که ما اعطا کرده ایم در سراسر قلمرو سلطنتی ما لازم الاجرا است و آن گونه که زبنده ما است بایستی به اتباع ما، روحانی و غیر روحانی، در سراسر قلمرو سلطنتی ما، رعایت شود و آنها نیز بایستی آن گونه که شایسته است این حقوق را نسبت به اتباع خود رعایت کنند.

(۶۱) از آنجا که رضایت خداوند متعال و ترقی کشور مدنظر ما است و برای رفع کدورتی که اخیراً بین ما و بارونهای ما ایجاد شده، تمامی امتیازات فوق الذکر را اعطا

فرمودیم و آرزو داریم از آنها به طور کامل و الی الابد بهره مند شوند و ما شخصاً آنها را تضمین می کنیم، بدین ترتیب که بارونهای ما بیست و پنج بارون را از در سراسر قلمرو سلطنتی برمی گزینند و آنها باید با همه توان خود از صلح و آزادیهایی که اعطا و براساس این منشور تأیید کرده ایم پاسداری کنند، چنانچه ما، یا قاضی القضاات ما، یا پیشکاران ما یا هر یک از خدمتگزاران ما به هر طریقی حق کسی را پایمال کنند یا از هر یک از موادی که مربوط به صلح و امنیت هستند سرپیچی نمایند، عمل خلاف آنها باید به اطلاع چهار تن از بیست و پنج بارون فوق الذکر برسد و آن چهار بارون باید به درگاه ما بیایند، یا اگر ما در قلمرو سلطنتی نبودیم به قاضی القضاات ما مراجعه کنند، و تخطی از قانون را به عرض ما برسانند و اطمینان داشته باشند که دادخواست آنها در مورد تخطی از قانون بلادرنگ مطمح نظر قرار خواهد گرفت. اگر ما عمل خلاف را مواخذه نکردیم، یا در قلمرو سلطنتی نبودیم، اگر قاضی القضاات ما، طی مدت چهل روز از تاریخی که به ما شکایت شده یا اگر ما در قلمرو سلطنتی نبوده ایم، به خود قاضی القضاات شکایت شده، به عمل خلاف رسیدگی نکرد، چهار بارون فوق الذکر بایستی موضوع را به اطلاع بقیه بیست و پنج بارون برسانند و این بیست و پنج بارون با مردم قلمرو ما می توانند بهر طریقی که بتوانند علیه ما عصیان کنند و به آزار ما پردازند، یعنی قلاع، املاک، اموال ما را، به هر طریقی که بتوانند ضبط کنند، در این میان شخص ما، ملکه و فرزندان ما در امان هستند، تا آنکه، به نظر آنها، به شکایتشان ترتیب اثر داده شود و چون به شکایت آنها ترتیب اثر داده شد آنها می بایست همچون گذشته مطیع و فرمانبردار ما باشند. به هر یک از اتباع کشور اجازه می دهیم که اگر بخواهد برای اطاعت از او امر بیست و پنج بارون فوق الذکر به منظور اجرای موارد یاد شده سوگند یاد کند، و تا آن حد که در توان دارد برای اذیت و آزار ما با آنها همراهی نماید، ما آشکارا و در کمال آزادی به همگان این حق را می دهیم که بر سر سوگندی که خورده اند پایدار بمانند و هرگز کسی را از ادای چنین سوگندی باز نخواهیم داشت. به آن عده از رعایای ما که از ادای سوگند نسبت به بیست و پنج بارون و کمک به آنها برای ایستادگی در مقابل ما و ضبط اموال ما اکراه دارند امر می کنیم که چنین سوگندی را آن گونه که در فرمان آمده یاد نمایند. و اگر یکی از بارونها بمیرد، یا کشور را ترک کند یا بهر دلیلی قادر به انجام وظایف یاد شده نباشد، بقیه بیست و پنج بارون فوق الذکر می بایستی بارونی را که شایسته می دانند به جانشینی او برگزینند و او باید همچون بقیه سوگند یاد کند. اگر در خصوص اموری که باید به وسیله این بیست و پنج بارون انجام گیرد در صورت حضور همه آنها در مجمع خود اختلافی بین آنان پیش

آید و یا یکی از آنها که دعوت شده نتواند یا نخواهد در مجمع حضور یابد، در این مورد، رأی اکثریت عده حاضر قاطع و در حکم آن است که تمام بیست و پنج بارون با آن مورد توافق کرده‌اند؛ و بیست و پنج بارون نامبرده سوگند یاد می‌کنند که با کمال صمیمیت و شرافت آنچه را که قبلاً گفته شد رعایت نمایند و با تمام توان و نیرو از آن پاسداری نمایند. و ما نه شخصاً و نه به عاملیت کسی علیه هیچ کس اقدامی نخواهیم کرد سبب نقصان یا نابود کردن این امتیازات و آزادیها گردد؛ و اگر چنین اقدامی انجام دهیم لغو و بلااثر خواهد بود و ما هرگز نه شخصاً و نه به عاملیت هیچ کس چنین اقدامی نخواهیم کرد.

(۶۲) و ما از تمام بداندیشیها، توهینها و کینه‌هایی که بین ما و خدمتگزاران ما، روحانی و غیر روحانی، از آغاز این کشمکش پیش آمد. در می‌گذریم و همگان را عفو کنیم. به علاوه، ما همچنین تمام اعمال خلاف قانونی را که به واسطه کشمکشها از تاریخ عید پاک در شانزدهمین سال سلطنت ما تا برقراری صلح و آرامش چه توسط افراد روحانی و چه افراد غیر روحانی انجام شده، آن گونه که شایسته ما است آنها را عفو می‌کنیم. و به علاوه، مراتب رضایت و خرسندی خود را از لرد استیون، اسقف اعظم کتربری، و لرد هنری سر اسقف دوبلین و اسقفهای فوق‌الذکر، و کشیش پاندولف با صدور فرامین مخصوص به منظور مصونیت آنان و استفاده از امتیازات فوق‌الذکر اعلام می‌داریم.

(۶۳) باز تکرار می‌کنیم که خواسته ما این است و امر می‌کنیم که کلیسای انگلستان باید آزاد باشد، و مردم قلمرو سلطنتی ما باید از امتیازات، حقوق و آزادیهای یاد شده بهره‌مند باشند و در کمال آرامش، آزادی و متانت تماماً و به طور کامل برای خود و اخلاف آنها و ما و اخلاف ما در هر جا و در هر کار و برای همیشه، آنچنان ذکر شد، جاودان بمانند. ما و بارونهای ما سوگند یاد کرده‌ایم که تمام امور یاد شده را بدون سوء نیت و با حسن عقیده رعایت کنیم. آنهایی که نامشان آمده و بسیاری کسان دیگر شهود این منشور هستند. این فرمان را در چمنزار رانی مید، حد فاصل ویندزور و استینز، در پانزدهمین روز ماه ژوئن از هفدهمین سال جلوس به سلطنت خودمان توشیح می‌کنیم.

